

پایه راه

ویژنامه ورودی‌های جدید
باشگاه طنز انقلاب اسلامی
دوره آموزشی بیست و یکم

صفحه ۳
اوپراتور تلفنی مذاکره

صفحه ۴
فاز روغن‌فکری

صفحه ۵
حمله‌های تیمی

صفحه ۷
آرمان‌غرب

صفحه ۸
شعر یلدایی

صفحه ۱۲
گرد شیرین

صفحه ۱۳
تعبیر خواب

صفحه ۱۴
غرب زدگی

صفحه ۱۵
شب بیزار



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

رسیدن سر خرمن و لم دادن و به نیش کشیدن مشیت محصول این متاسفانه رسم بد بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی شده است. باشگاه طنز انقلاب اسلامی اما خواست تا این نباشد، آمد تا دانه دانه دستچین کند، بکارد آب بنوشاند و هرس و حراست کند. بعد صبر و دعا و باز تلاش تا برسد به سرود فصل برداشت. و این بیست و یکمین دوره است که دانه‌های ما جوانه زدند. بچه‌هایی که نزدیک به یک سال آموختند و نوشتند و نقش زدند و سرودند و نقد شدند و مطالعه کردند و باز آموختند تا رسیدند به امروز که طبق سنت دوره‌های پیشین یک شماره جدید به مجله طنز پا به راه افزودند تا هم ورود جدیشان به عرصه نویسندگی کشور را فریاد بزنند و هم پوتین‌هایشان را سفت کنند برای مسیری دشوار به دشواری نبرد در جبهه فرهنگی حق و به شیرینی لذت از لبخند رضایت ولی امر و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. ان شاء الله

امین شفیعی

تحریریه

دبیر شعر : آمنه آل اسحاق

دبیر نثر : فاطمه سادات مدنی

تحریریه شعر: حسین اعتمادی ، زهرا صفری
احمد علمدار ، طاهره مصطفی زاده ، عارفه فتحی

تحریریه نثر:الناز همه کسی ، زینب یوسفی
حیدر جهان کهن

دبیر کاریکاتور : محبوبه معماریان

تحریریه کاریکاتور: مهدیه پهلوان ، زهرا حسنی، معصومه عنابی، ریحانه ذوالفقاری، محدثه شهبابی
فاطمه زهرا باقری، زینب ضامنی ، کوثر کاشانی پور

صفحه آرا:

ویراستار:

حنانه مرتضی

رویا حسینی

اپراتور تلفنی مذاکره

با درود فراوان؛ شما با دفتر خدمات استراتژیک مذاکره و غرب لاویلی پیشرفته (ssowalas) تماس گرفته‌اید. گفتنی است که کلیه خدمات این مرکز منطبق بر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و با مجوز رسمی از اداره پاستوریزه‌سازی کاملاً ظریف ارائه می‌شود. برای دریافت فهرست خدمات، لطفاً یک نسخه از کتاب «غرب چگونه غرب شد؟» را با دستگاه پوره ساز خرد کرده و پوره‌ها را روی کلید ستاره (*) بریزید تا فشرده شود.

در ادامه برای دریافت مجوز تأسیس «مک‌دونالدز اسلامی» با منوی حلیم و کباب کوبیده، عدد ۱ برای دریافت تحلیل کارشناسانه از «چرا بعضی از مدیران ما در نطق‌هایشان از کلمات با مفهوم انگلیسی استفاده می‌کنند، اما صلاح می‌بینند به جای سلام؛ درود بفرستند تا زبان فارسی مورد هجوم اعراب قرار نگیرد؟»، عدد ۲ برای دانلود منوی «رستوران‌های لوکس تهران؛ از استیک با چنگال طلا تا شعارهای فرهنگ آریایی روی دیوار!»، عدد ۳ برای ثبت‌نام در کارگاه «چگونه در برابر فرهنگ غیرایرانی «نه» بگوییم، درحالی که گوشی‌مان، ماشینمان و نرم‌افزارمان همه غربی است؟»، عدد ۴

برای دریافت مشاوره با موضوع «اگر فرزندان هم‌زمان «پسر دلفینی» را دوست دارد و «اسپایدرمن» را، آیا غرب‌زده است؟»، عدد ۵ برای دریافت بسته «التماس متمدنانه» شامل:

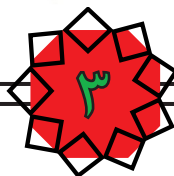
چهار فرمول ثابت شده برای آغاز مذاکره با عبارت «ما ملتی متمدن هستیم و حاضریم هر شرطی را...»، عدد ۶
برای دانلود رایگان فیلم آموزشی «از ژنو تا عشق: تکنیک‌های بازگشت به میز مذاکره پس service شدن در ژنو»، عدد ۷
برای اخذ گواهینامه بین‌المللی «مذاکره حرفه‌ای به سبک شوهردادن بحرین» --- قابل‌استناد در رزومه --- عدد ۸
برای شرکت در وبینار «چگونه اشداء علی المومنین و رُحماء علی الکافرین باشیم؟» عدد ۹
برای خرید اشتراک سالانه عدم استفاده از سانتریفیوژهای قراضه که اتفاقاً برای سلامتی‌تان هم مضر است با سرویس جایگزینی قالی هزار و صد و پنجاه‌دلاری عدد ۰ را فشار دهید.

و در پایان برای دریافت بسته آموزشی چطور یک مذاکره موفق با دستاورد داشته باشیم کلیدی را نداریم که فشار بدهید می‌توانید فوت کرده و تلفن را قطع کنید این یک راز است که در اختیار ایران دوستان قرار نمی‌گیرد.
در پایان، به‌صورت خودکار به مرکز «سنجش میزان غرب‌زدگی چهره‌های سینمایی» متصل خواهید شد و در صورت کسب نمره قبولی، جواز استفاده از کراوات در مراسم رسمی برای شما صادر می‌گردد.

الناز همه کسی



معصومه عنابی





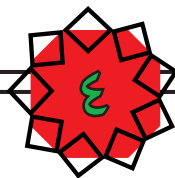
فاطمه زهرا باقری

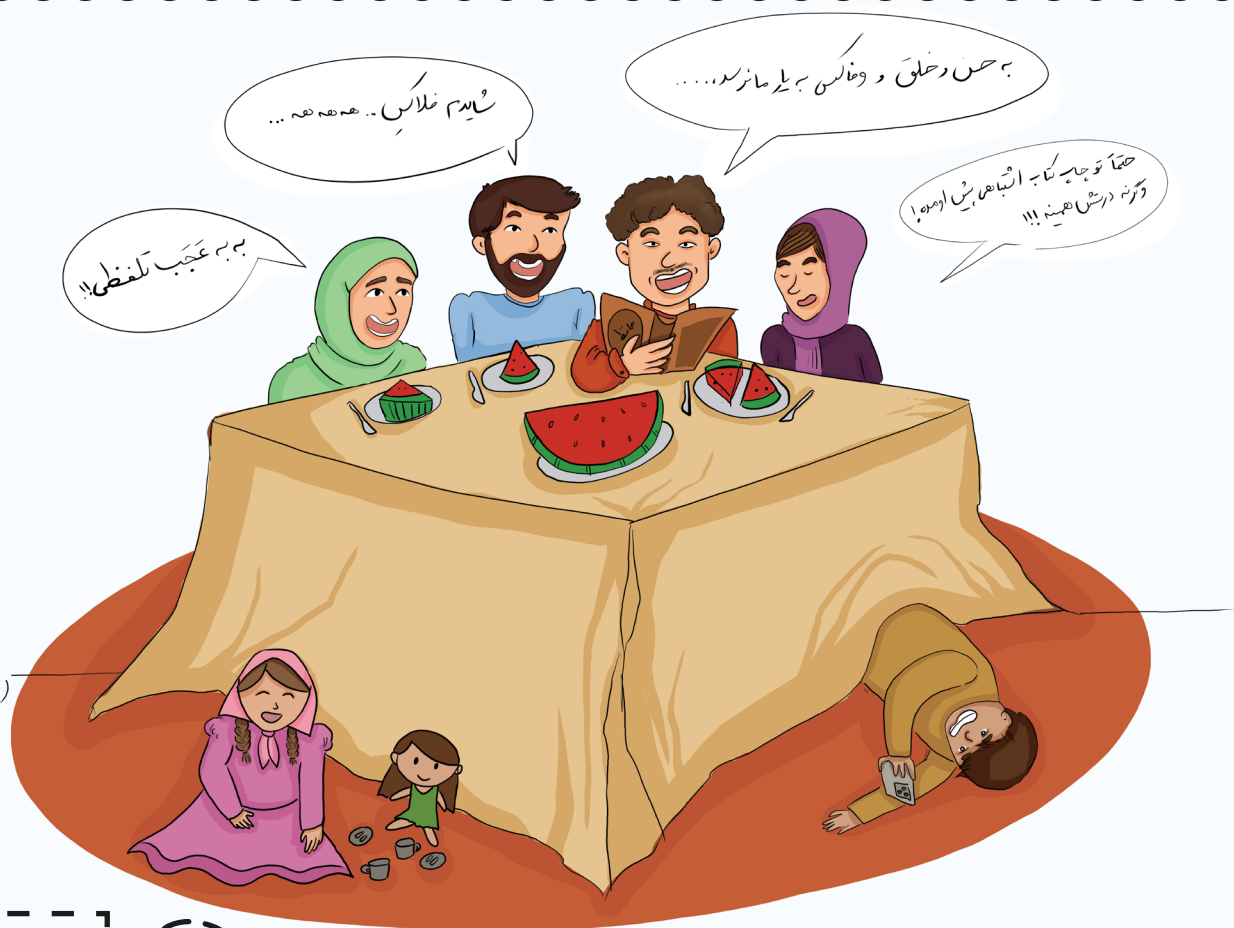
فاز روغن فکر

مباد آنکه برقصی به سازِ روغن فکر
مباد آنکه بریزی پیازِ روغن فکر
به صفحه‌های مجازِ یسم نازِ روغن فکر
حقیقتش تو مخوان این مجازِ روغن فکر
برای جامعه گشته ترازِ روغن فکر
بین توهم محض است فازِ روغن فکر
که مرغِ خویش فروشی به غازِ روغن فکر
مِن اللِّسانِ طویل و درازِ روغن فکر

مباد آنکه بتازی به گازِ روغن فکر
درون کاسهٔ فکرت عزیزِ هم‌وطنم
بکش تو نازِ جهانی ولی مکش یک‌دم
فضای گنگ مجازی‌ست دست بعضی‌ها
نگار من که سوادش کشیده‌ام، حالا
تویی که فاز عجیبی گرفته‌ای از او
چنان اسیرِ فسونِ خیالِ او شده‌ای
همیشه در همه حالت بگو آغودُ بَرَب

حسین اعتمادی

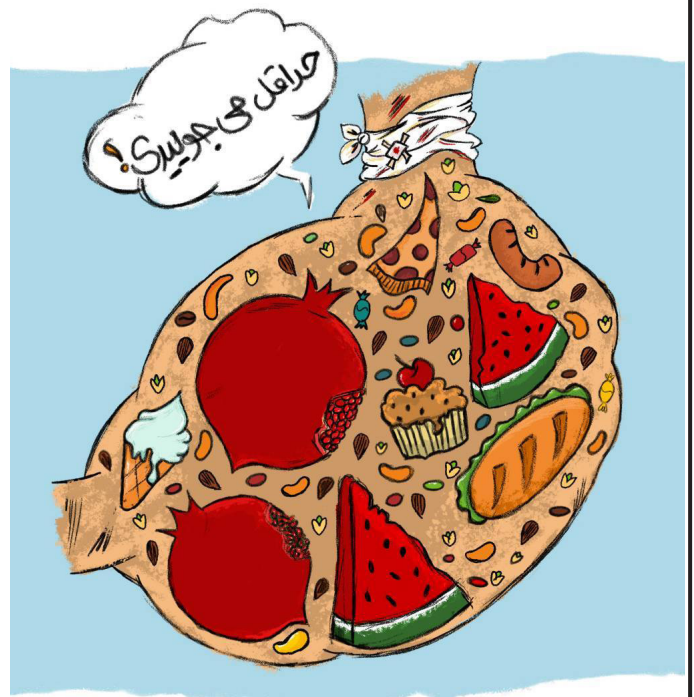




سمانه نعمتی

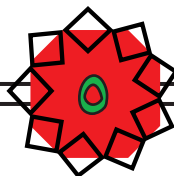
حمله‌های تیمی

شب دورهمی‌ها، گفتگوهای صمیمی است
شب قول و قرار و حمله‌های داغ تیمی است
شب کرسی و گرمای فال حافظ، شعرخوانی
و بین ما یقیناً ارتباط مستقیمی است
برای ما شب یلدا بزرگان قصه گویند
میان قصه تصویر رحیمی و رجیمی است
صفا و سادگی خانه‌های کوچک ما
همان جایی که زیلو و حصیری و گلیمی است
به فستی جات و همبرگر ندارم هیچ میلی
عزیز معده‌ام در هر شب یلدا حلیمی است
به دست دختری دیدم اگر گوشی نخور غم
بکن شکر خدا را که گروه درس شیمی است
شب یلدا یکی دائم جوک ناجور می‌خواند
خدا را شاکرم او را، شعور نصف و نیمه است
شب یلدا و گوشی و خبرهای مجازی
و جمع حاضر غائب که در بهت عظیمی است
به دور یکدیگر امشب، به هر شکلی همه جمع
شب یلدا ما شکرش، کماکان هم قدیمی است



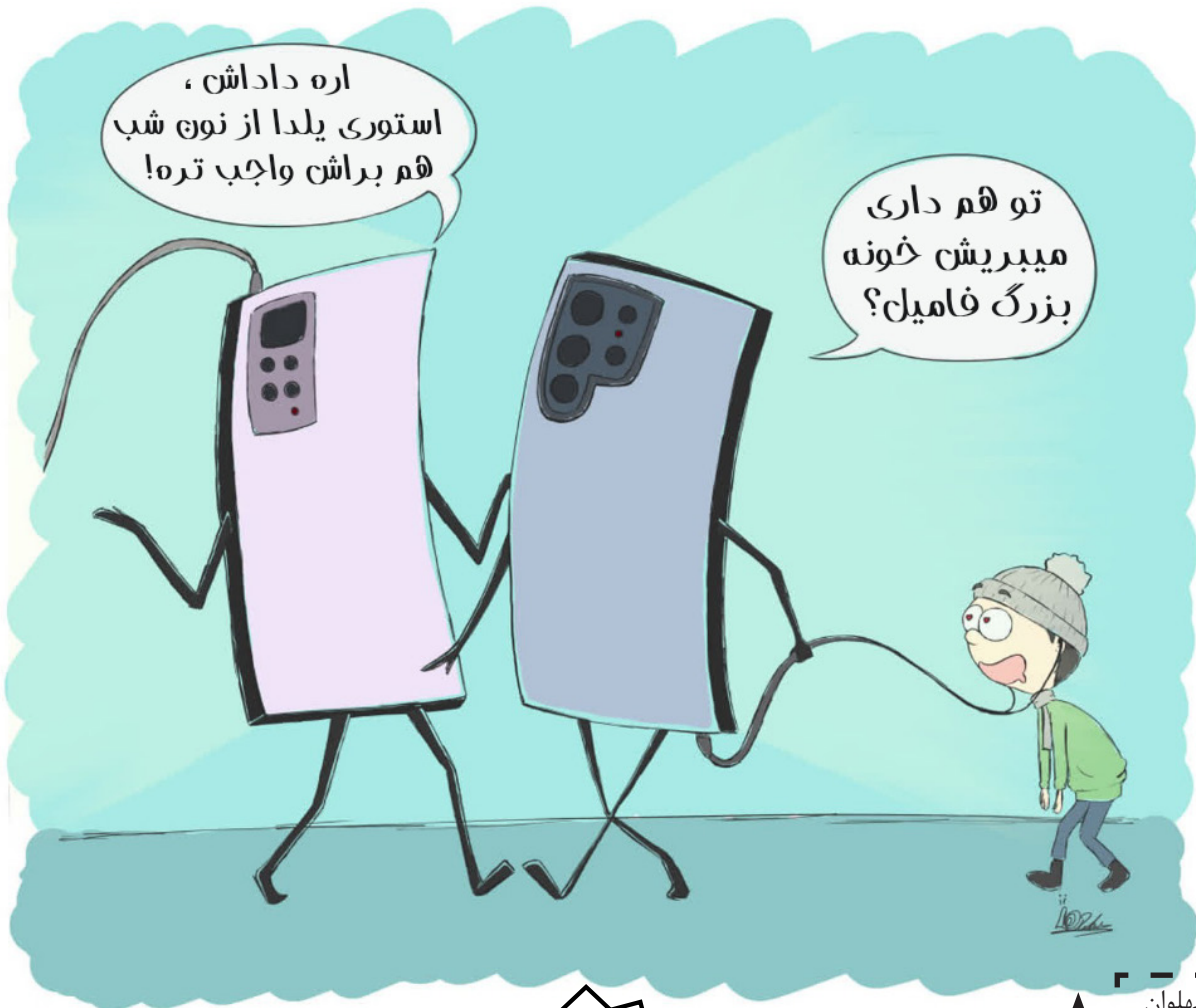
حسین اعتمادی

ریحانه ذوالفقاری





معصومه عنابی



مهدیه پهلوان





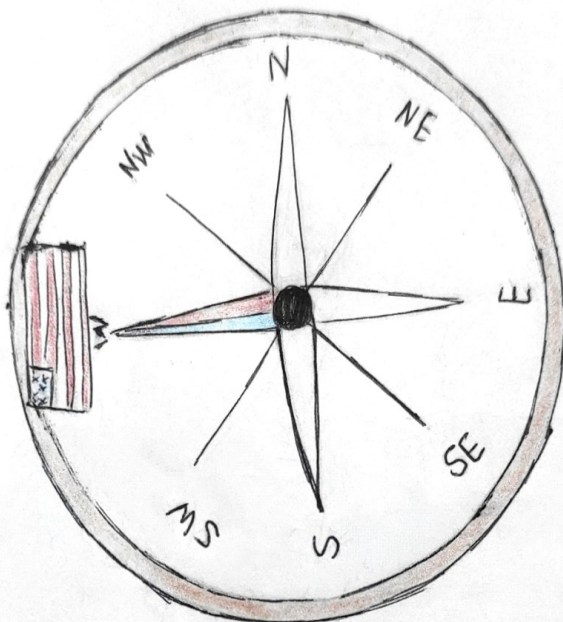
فلا میه نزدیکه؟
خب به من چه؟
ما آریایی هستیم
عرب نمیپرستیم.
راستی واسه هالووین
لباس چی خریدی؟

مهدیه پهلوان

آرمانغرب

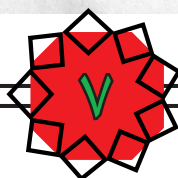
دل به میهن داده‌ام بر غرب اما بیشتر
این وطن زیباست، اما ینگه دنیا بیشتر
سال‌ها من ذوب در عشق وطن بودم ولی
عشق و حال من ذوب شد در غرب، حالا بیشتر
قرمه‌سبزی می‌پرستیدم ولی این روزها
پیتزا را می‌پرستم، مارگاریتا بیشتر
چای ایرانی ندارد برتری در ذات و ژن
قهوه جان برتر به ژن در نوع موکا بیشتر
دوست دارم نام لیلی، نام مجنون را ولی
نام غربی، بتهوون را با الیزا بیشتر
غیر یک میدان ندارد هیچ آزادی وطن
لیک در غرب است آزادی به معنا بیشتر
وعده‌ها تنها شنیدم از عدالت در وطن
در عمل دیدم عدالت در اروپا بیشتر
خواستم خارج شوم از خاک میهن، ناگزیر
ناسزا گفتم، برای اخذ ویزا بیشتر

احمد علمدار



«مُیله نهای عشاق الغرب»

محدثه شهابی



یلدا

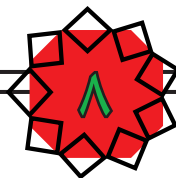
خوردن چون موریانه، شام یلدا رسم کرد
صبح زود از خواب برمی‌خاستم، یلدا ولی
ما که می‌خوردیم عمری تخمه‌های خربزه
خرج یلدا بر سرم آوار شد؛ چون زلزله
هندوانه قیمتش تا آسمان‌ها رفته است
عشق بر آجیل و شیرینی و حلوا و انار
من که اهل شعر طنز اصلاً نبودم، لاجرم
مثل جغدی در کمین خوردنی‌ها رسم کرد
خواب ماندن تا به لنگ ظهر فردا، رسم کرد
خوردن آجیل را در حد اعلا رسم کرد
پر نمودن از تهی در جیب ما را رسم کرد
این‌چنین یلدا تورم را به دنیا رسم کرد
در شب یلدا چنان عشق زلیخا رسم کرد
شعر یلدا ذوق طنزم را چه زیبا رسم کرد

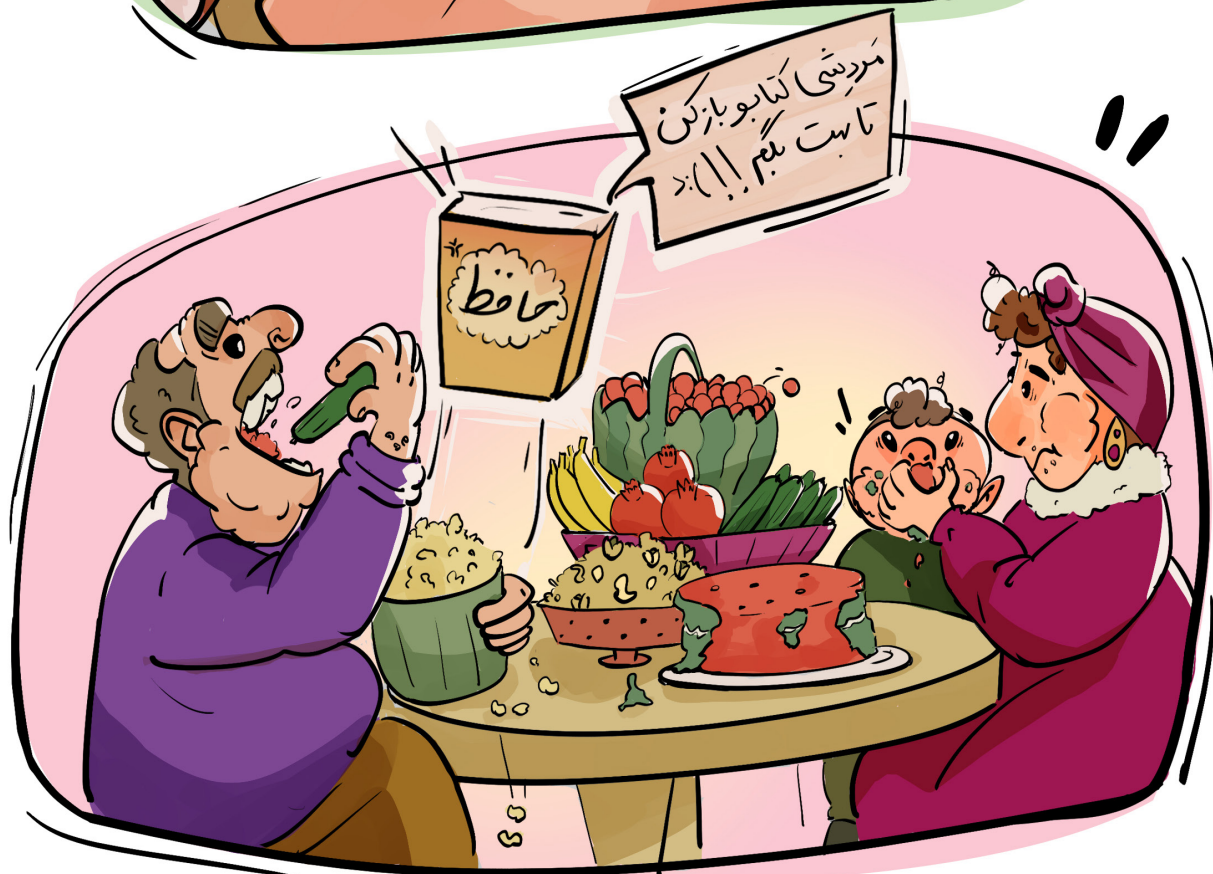
احمد علمدار

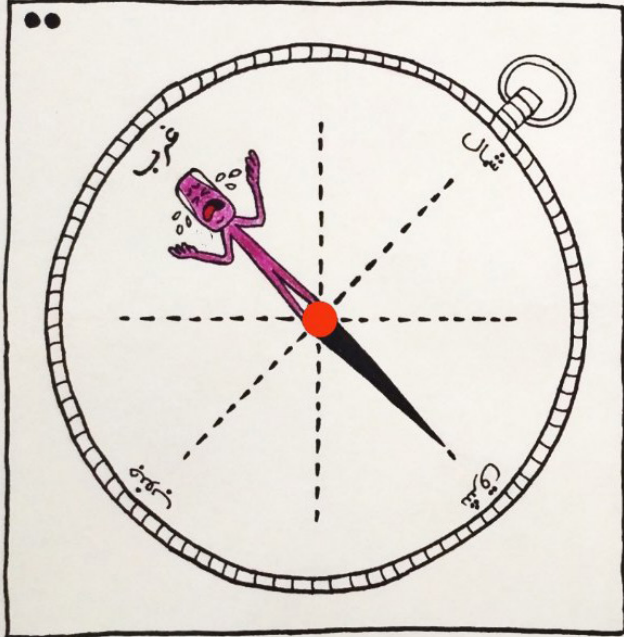


نا: دل‌ساز
جرم: پاک کردن تاریخ ۳۰ آذر از تقویم
وعدۀ کفایت در تہمدی اتلاام سب یلدا

معصومه عنابی







زهره حسینی



ریحانه ذوالفقاری

ایران:



خارج:



* اصطلاحی مازندرانی که برای زمانی که یک جا خیلی تمیزه استفاده میشه. (برنج رو بریز همینجا و بخور)

↑
کوثر کاشانی پور

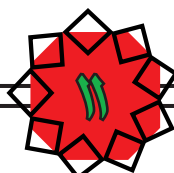
کلاس چطور به زندگی خود امیدوار شویم
با امکان گفت و گوی تصویری با یک غرب زده
مدت: یک ساعت
مطمئن باشید بعد از شنیدن چند دقیقه از
سخنان وی به یقین می رسید که قطعاً مشکلات
شما قابلیت ماله کشی شدن را دارند.

زینب یوسفی

آموزش نقاشی به سبک مدرن
اگر می خواهید به صنف نقاشان مالونیستیم
پیوندید ما اینجا هستیم.
ما اینجا ایم تا به شما یاد بدهیم طوری ماله را
بکشید که تصویر افتضاح های پیش روی تان
کاملاً محو شود.

صنف نقاشان ور شکست شده غرب زده

زینب یوسفی





"اندر احوالات مردم در این تنقلات شب یلدا"

کوثر کاشانی پور

گرد شیرین

نگویی نیست شیرین و بگیری حال بابا را
نباشد گفته می‌گیریم ماه بعد یلدا را
و ایضاً مرتفع گردان تو از ما این بلایا را
دگر ما بر نمی‌تابیم این حجم از تمنا را
تماشاگر فقط بودیم آن اقلام زیبا را
و فرزند تو می‌بلعید کلاً خانه ما را
که ابرو و اشاراتش به ما فهماند معنا را
مؤدب باش و آرام و دراز اصلاً نکن پا را
از این رو سیر می‌خوردیم چایی و «باراکا» را
که بخش اولش «یل» گفته‌اند و دومی «دا» را
چه سود از اینکه می‌بخشی سمرقند و بخارا را
که دولت پر کند هر آن سبدهایی ز کالا را

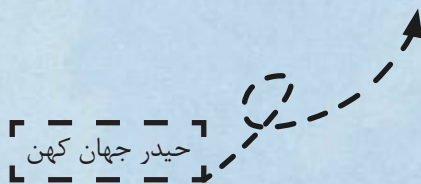
بیا با خنده قاچش کن همان گرد گوارا را
تمام شهر را گشته و اصلاً شرط هم کرده
خدایا سرخ و شیرین کن تو لطفاً انتخابش را
الهی شهر رنگین و پر است از میوه و آجیل
از آن روزی که یادم هست ما اصلاً نمی‌خوردیم
اگر مهمان ما بودی چو شاهی در میان بودی
ولیکن در زمان ما فنون تربیت این بود
که یلدا پرسش حال بزرگان است و دیگر هیچ
نخوردن منزل خویشان نشان چشم و دل سیری‌ست
من از یلدا و تفسیرش جز اینها را نمی‌دانم
بیاور حافظا جامی پر از پسته، گل آجیل
الهی فال امسالت برایم این چنین باشد

زهرا صفری



تعبیر خواب دیدن آدم موبور چشم‌آبی در خواب توسط ملا مغرب الدین پارسی

ملا می‌گوید دیدن غریبه موبور چشم‌آبی شکون داشته و رزق فراوان به همراه دارد. حتی مشکل آب‌خوردن را هم حل می‌کند و خواب‌بیننده می‌تواند به زودی از گلابی‌های این دیدار بچیند و اگر در خواب دید که موبور چشم‌آبی چوبی به‌صورت او تف انداخته، باید حمل بر خیر فراوان کند چنان‌چه زهرمار هم فواید بسیار دارد. گر در خواب دید که آن موبور دختر است، باید خویشتن را بیاراید که به زودی با شخصی بزرگ روبه‌رو می‌شود. چنان‌که اگر نماینده مجلس باشد ممکن است به زودی با زنی از فرنگ روبه‌رو شود و بهتر است دسته سلفی مناسب تهیه کند تا با این زن به هیچ مشکلی سلفی بگیرد و بر دیوار خانه نصب کند. اگر ببیند به او گفته «گاو» باید خدا را شاکر باشد چرا که به زودی منفعت فراوانی و خلق خدا می‌رساند و نباید از این حرف ناراحت باشد. چرا که بسا عشاقی که معشوق با ایشان تندی کرده و فحش ناموسی داده و عاشق صبور چون پیاله ماست، بلکه راضی همچون گوسفندی که در صندلی جلوی نیشان جایش داده باشند می‌خندد و حض می‌پردازد علاوه بر این به او استخوان هم نشان داده و یا گوسفند و گاو خطاب کرده باشد مزید شادی‌ست که شیخ از فلان بن فلان نقل کرده که برهان بن چاخان بن مشتاق البحران فرمود: معشوق هرچه سنگدل‌تر، عشق خوش‌تر.



غرب زدگی

شهر از فیس و ادایی‌ها شده پُر! نازنین
لایف‌استایلِ نوین را در همین ایران ببین

این جوانانِ وطن جوری که اینجا خارجه
در تمامِ تیپ‌شان، فرهنگِ غربی، رایجه

چای پرسن؟ قهوه پرسن؟ تاکسیک و نیمه سوپر
ای زبانِ فارسی! تو، خَز شدی یا گیم‌اور

فاقِ شلوار آمده تا زیرِ زانو؛ جالبه
پیرهن، از بس گشاده، صاحبِ آن، غایبه

سبک موسیقی، نگوا! در حدّ لولای دره
دل که نه؛ اما صدای آن، سَرَم را می‌بره

نازنینا! ما به تایپِ تو، نه که کف کرده‌ایم
شعرِ خود، با نقدِ سازنده مردف کرده‌ایم

بشنو از نی؛ کرده دِق! از سستیِ فرهنگِ تو
«غرب»، عشقِ تو شده! با عرضِ پوزش، ننگِ تو»

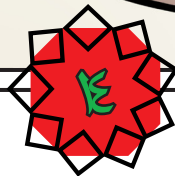
عارفه فتحی

جذب کارگردر پروژه عظیم ماله کشی
شرایط :
حداقل ۵ سال سابقه غرب زدگی
بینایی کم: ترجیحا کور
قابلیت باور کردن دروغ‌های خود ساخته.

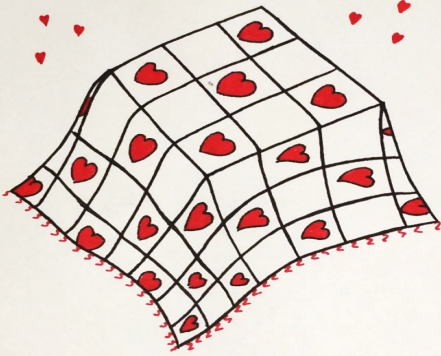
زینب یوسفی



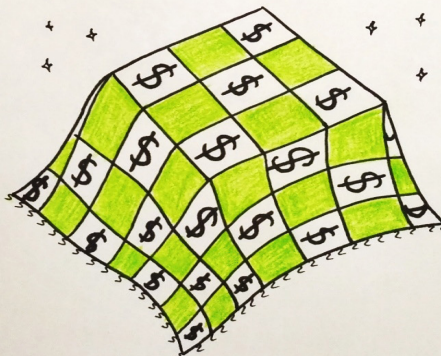
زینب ضامنی



« یلدای دیروز »



« یلدای امروز »



زهرا حسینی

شب ییزار

این چه دردی ست که هرساله گرفتار شدیم
شب یلدا شده، ما راهی بازار شدیم
نرخ‌ها بود چنانی که گمان می‌کردی
خواب بودیم نود سالی و بیدار شدیم
پسته لبخند زنان فخر فروشی می‌کرد
قیمتش را که شنیدیم عزادار شدیم
آه از میوه و صد آآه دگر از آجیل
آن چنان بود که تب کرده و بیمار شدیم
قیمت هرچه شنیدیم تشنج کردیم
دو سه باری به کما رفته و هشیار شدیم
دست خالی دل پر درد، ولی برگشتیم
از شب چله و این رسم چه بیزار شدیم

طاهره مصطفی زاده



محدثه شهبابی

